

## بررسی تطبیقی آیات الجَنَّةِ مَکِّي و مدنی از حیث ساختار و مضمون

فاطمه دسترنج<sup>۱</sup>، علیرضا طبیبی<sup>۲</sup>

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۹/۱۸ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۱۱/۱۴)

### چکیده

در اندیشه دینی، «جَنَّت» جایگاه ابدی نیکوکاران و کانون نعمات الهی است، لذا واکاوی گزاره‌های قرآنی در توصیف بهشت و نیز ابعاد فرازمانی و فرامکانی قرآن کریم در این حوزه، ضرورتی غیر قابل انکار است. این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی درصدد بررسی آیات الجَنَّةِ در سوره‌های مَکِّي و مدنی است. نتایج این پژوهش در دو بُعد ساختاری و مضمونی، حاکی از آن است که در بُعد ساختاری، سطح آوایی آیات الجَنَّةِ مَکِّي از نظم آهنگ بیشتری برخوردار است. «انذار و تبشیر» و توصیف معاد، محور اصلی سوره‌های مَکِّي است لذا لحنها و ریتمهای آیات، مخاطب را در درک بهتر صحنه‌های قیامت تهییج می‌کند. در بُعد مضمونی، توصیف نعمات مادی در آیات الجَنَّةِ مَکِّي، فراوانی و تکرار بیشتری دارد. اما در آیات الجَنَّةِ مدنی نمود ابعاد معنوی بیشتر است و واژگان مشترک در آیات الجَنَّةِ مدنی که حلقه اتصال را میان سوره‌های مختلف برقرار کرده دلیلی برای کشف مفاهیم مشترک سوره و بیانگر شرایط و لوازم ورود به بهشت است. قرآن ویژگی‌های متعدد بهشت و امور مختلف مربوط به زمانها و مکان‌های گوناگون را در نظام و چهارچوبی ترسیم کرده که پس از تأمل درباره موضوع‌های متعدد می‌توان به وحدت موضوعی آیات الجَنَّةِ رسید. آوا و موسیقی آیات الجَنَّةِ، متناسب با سیاق معنی و مضامین سخن و اوضاع و مقتضیات مربوط به سخن دگرگون می‌شوند و به این ترتیب رابطه دقیقی بین مضامین و ساختار آیات الجَنَّةِ حاکم است. هماهنگی آیات الجَنَّةِ با شرایط مخاطبان، وجهی از اعجاز بلاغی قرآن است که با کاربست الفاظ و تعابیر مردم عصر نزول و بدون تأثیرپذیری از فرهنگ آنان، بُعد فرا زمانی یافته و از مرز واقع‌گویی خارج نشده است.

کلید واژه‌ها: آیات الجَنَّةِ، مَکِّي، مدنی، سطوح ساختاری، مضمون.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک، (نویسنده مسئول)؛ F-dastranj@araku.ac.ir

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک؛ a-tabibi@araku.ac.ir

## ۱. مقدمه و بیان مسأله

قرآن، در کنار تأکید بر پایان یافتن این جهان و وقوع رستاخیز و ادامه زندگی انسانها در عالمی دیگر، در یک تقسیم‌بندی کلی سعید و شقی، از جای زیست افراد سعید با تعبیرات گوناگون و غالباً متضمن اوصاف اصلی آن، یاد می‌کند. جنت و جمع آن جنات با بسامد بیش از صد بار که گاه به واژه‌های اضافه یا با صفاتی چون: جنة الخلد، جنة نعیم/ النعیم، جنات النعیم، جنة المأوی، جنات المأوی، جنة عالیه، جنات الفردوس، قرین شده مجموعه تعبیر قرآن درباره بهشت و اوصاف آن است.

لذا نوشتار حاضر در صدد است با مقایسه آیات الجنة در سوره‌های مکی و مدنی، میزان ارتباط و هماهنگی آیات را بررسی و دلایل اختلافات احتمالی را مشخص نموده و با روش توصیفی - تحلیلی به این پرسش پاسخ دهد که آیات الجنة در سوره‌های مکی و مدنی از چه ویژگی‌های ساختاری و مضمونی برخوردار است؟

لازم به ذکر است پژوهش‌های انجام شده در رابطه با بهشت و مراتب مختلف آن، حوزه‌ای بسیار گسترده دارد، مانند مقاله «نشانه‌شناسی نمادهای بهشت در قرآن کریم» نوشته علی اصغر محکی و راضیه سوزن چی کاشانی، که در آن با استفاده از دانش نشانه‌شناسی، نمادهای بهشت در قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفته‌اند و مقاله «تصویرپردازی هنری آیات بهشت و جهنم در قرآن کریم» اثر رسول بلاوی و محمد غفوری فر و میثاق اطاقی که در آن، کارکرد تصویرپردازی قرآن کریم را با تأکید بر آیات بهشت و جهنم بر مخاطبان تحلیل می‌کند. اما رویکرد این مقاله آیات الجنة بوده و لذا از نوآوری‌های این نوشتار بحث تفکیک آیات الجنة در دو بخش مکی و مدنی و نیز بررسی ساختارها و مضامین آیات است.

## ۲. مفهوم شناسی آیات الجنة و کاربرت آن در قرآن

محل زندگی اتقیاء در قیامت به لفظ جنت و جنات تعبیر شده است. (قرشی، ۷۴/۲) جنت،

مشتق از اجتنان به معنای پوشیدگی است. لذا بهشت بدلیل فراوانی و تراکم درختانش به جنّت نامگذاری شده است. (فراهیدی، ۲۲/۶، ابن منظور، ۱۰/۱۳؛ ابن فارس، ۱/۴۲۱)

آیات الجنّه یک ترکیب اضافی است، مضامین این آیات اوصاف جنّت (جنات)، شامل مشخصه اصلی و اندازه و گستره و مکان، شماره جنّت‌ها، انواع نعمت‌های جنّت، اوصاف ثبوتی و سلبی نعمت‌ها و اشیای موجود در جنّت، غرض از آفرینش جنّت، اهل جنّت، صفات و ملکات و کارهایی که انسانها را شایسته جنّت می‌کند و نیز مناسبات ساکنان جنّت با یکدیگر را ترسیم می‌کند.

واژه «جنّت»، ۹۰ مورد، در ۴۶ سوره مکی، در ۸۹ آیه و ۵۷ مورد، در ۱۹ سوره مدنی، در ۵۴ آیه تکرار شده است. در ۴ آیه از سوره‌های مکی و مدنی، ۲ بار کلمه جنّت تکرار شده است (سبأ، ۱۶؛ الحشر، ۲۰؛ الصف، ۱۲؛ التوبه، ۷۲). در مجموع، واژه جنّت، ۱۴۷ مورد می‌باشد که در ۱۴۳ آیه آمده است. (زنجانی، ۲۵؛ رامیار، ۶۱۲؛ حجتی، ۷۷، فائز، ۱۳۰) در آیه (التوبه، ۱۰۰)، برخلاف آیات دیگر که «جنّات تجری من تحتها الأنهار» آمده است، «من» ندارد. همچنین در (الشوری، ۲۲)، «رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ» آمده و در (الروم، ۱۵)، کلمه «رَوْضه» آمده است.

### ۳. تحلیل سطوح ساختاری آیات الجنّه در سوره‌های مکی و مدنی

«ساختار»<sup>۱</sup> در اصطلاح ادبی به شیوه اتصال میان عناصر و اجزاء سازنده اثر ادبی اطلاق می‌شود که سبب پیوستگی آن می‌شود. (داد، ۲۷۴؛ امامی، ۳۷) تحلیل ساختاری نیز یکی از شیوه‌های جدید برای روشن کردن محتوای اثر ادبی و تناسب آن با ساختار زبانی به شمار می‌آید. (فقهی‌زاده، ۷۷) قرآن یک متن ادبی منحصر به فرد است و ساختارشناسی به عنوان یک دانش نوین در راستای مطالعات خود، در حقیقت برگرفته از مجموع روابط موجود در اجزاء یک متن است. یافتن تناسب و ارتباط میان آیات، هماهنگی کامل لفظ و معنا و موسیقی، تأثیر گذاری کلام خدا را نمایان‌تر می‌کند. (انصاری، شمس‌الدینی، ۱۶۱) در قرآن

1. structure

به عنوان متن ادبی بی بدیل، سطوح ساختاری مختلفی مانند: سطح آوایی، واژگانی، تصویرپردازی، معنایی و... قابل تحلیل است.

### ۳-۱. تحلیل و واکاوی سطح آوایی آیات الجنه

نخستین سطح بررسی آثار ادبی، موسیقی و سطح آوایی آنهاست. در این سطح، ارتباط نظام آوایی کلمات حروف و فواصل در نثر و اوزان در شعر و معانی آنها بررسی می‌شود. (رمانی، ۸۸) نظم آهنگ قرآن در نتیجه نظام‌مندی ویژه و هماهنگی حروف در یک کلمه و نیز همسازی الفاظ در یک فاصله پدید آمده و از این جهت قرآن، هم ویژگی نثر و هم خصوصیات شعر را با هم دارد؛ با این برتری که معانی و بیان در قرآن، آن را از قید و بندهای قافیه و افعیل بی‌نیاز ساخته (سید قطب، الف، ۱۸/۱) و آوای حروف واژگان آن با معنایی که در جان مخاطب جای می‌دهد هماهنگ است. (معرفت، ۲۲۲/۵) زیبایی و نظم آهنگ لفظی قرآن بی‌ارتباط با معانی نیست، بلکه متغیرهای فونتیکی هجایی و آوایی با متغیرهای سمانتیک و معنایی همراه است (باقری، ۱۸۳). حرکت، سکون و فواصل و آوا و موسیقی آیات، متناسب با سیاق معنی و مضامین سخن و اوضاع و مقتضیات مربوط به سخن دگرگون می‌شوند و به این ترتیب رابطه دقیق حاکم است. (قطب، ب، ۱۸۰).

حال با توجه به برخورداری قرآن از سطح آوایی ویژه و نظم آهنگ خاص به بررسی و تحلیل سطح آوایی آیات الجنه در سوره‌های مکی و مدنی، پرداخته می‌شود.

لحنها و ریتمهای مشترک از ویژگی‌های آیات الجنه سور مکی است که هدف آن بیان صحنه‌های قیامت است به گونه‌ای که مخاطب را در درک بهتر آن صحنه‌ها تهییج می‌کند. واژه‌های کوتاه، بی‌درپی و پرهیز از کاربرد فراوان واژه‌های بلند سبب شده تا ریتم آیات تند و سریع گردد و ضرب آهنگ کلمات به گونه‌ای است که جوئی از هیجان و اشتیاق را می‌آفریند. (طالب‌تاش، ۱۶۳) در واقع آیات الجنه مکی از نوعی توازن آوایی<sup>۱</sup> برخوردارند. «توازی که ناظر بر تکرار یک واج، چند واج درون یک هجا یا کل هجا

1. Parallelism Phonic

است و از تکرار شدن صامت و مصوت در محور همنشینی حاصل می‌شود.» (صفوی، ۱۵۰) که خود سبب ایجاد نوعی موسیقی درونی آیات می‌شود. این توازن علاوه بر کارکرد لفظی؛ یعنی تأثیر در جنبه موسیقایی، کارکردهای محتوایی و معنایی نیز دارد و می‌تواند ما را به معنای پنهان متن برساند.

نمود این نظام آوایی در آیات سوره‌های مکی این چنین است: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهْرٍ» (القمر، ۵۴) «فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ» (القمر، ۵۵) که به دلیل رعایت فاصله آیات، «نَهْرٍ» به جای آنهار آمده است و در عبارت به اسم جنس بسنده شده است. (زمخشری، ۵۳۹/۴)

در سوره قمر که تقریباً در اوایل نزول سور مکی است (رامیار، ۳۴۶) تمام آیات الجَنَّة به حرف «راء» ختم شده‌اند و آهنگین بوده و شدت لحن بیشتری دارند.

«وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ \* وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُوهُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ \* وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (الزمر، ۷۵)

آیات سوره زمر که تقریباً در اواسط نزول سور مکی است (رامیار، ۳۵۶) تمام آیات آهنگین هستند و شدت لحن دارند و به حرف «ین» ختم شده‌اند ولی نسبت به سوره قمر از آهنگ و شدت لحن کمتری برخوردار هستند. علاوه بر این وجه تصویر پردازی در آیات سوره قمر نیز بیشتر احساس می‌شود و صحنه‌های ترسیم شده برای مخاطبان، نمود بیشتری دارد. (قطب، ۹۴-۹۵)

از آنجا که سجع در نثر، همانند قافیه در شعر است (سکاکی، ۶۷۲) به سبب همین ویژگی، قرآن کریم ذاتاً آهنگین است و این ویژگی به صورت ویژه در سوره‌های مکی وجود دارد (میر، ۳۳). سجع متوازی از انواع اثرگذار سجع است که در آن، کلمات در وزن و فاصله هر دو متفق‌اند (سیوطی، ۳۲۸/۲) در سوره الواقعة، آیات یکم تا سوم،

هشتم تا دهم، پانزدهم و سی و دوم تا سی و چهارم، دارای فاصله‌های واحد هستند که همگی به تاء ختم می‌شوند. ساختار سور مکی از جهت فاصله‌ها به گونه‌ای است که نظام‌نگی کاملاً منسجم و سجع، ساختار مشابهی با آیات پیشین دارد. این نوع سجع که آهنگین‌ترین و زیباترین نوع سجع است بسامد بسیار بالایی در سور مکی دارد (هاشمی، ۴۰۴) و با محتوای آیات تناسب داشته و تصویری را از آن روز ترسیم می‌کند. در حقیقت قرآن برای بیشتران میدان توحید، درجه ویژه قائل شده، در آیات فراوانی مراتب خرسندی و شادمانی خود را از آنان ابراز داشته است. (جوادی آملی، ۲۵۷/۵)

غالباً سوره‌های مکی از ویژگی سجع کوتاه برخوردار هستند که نوعی موسیقی و آهنگ را برای این سور به وجود آورده که به جذابیت آیات افزوده است (التکویر، ۱۰-۱۴). سجع میانه نیز در آیات الجنه مکی مشهود است مانند: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ \* أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ \* فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ \* ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأُولَى \* وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ» (الواقعه، ۱۰-۱۴)

سجع و فاصله آیات، تصویرهای کامل از ابعادی است که جمله‌های موسیقایی بدان ختم می‌شوند. این فاصله با نوع صوت و شیوه ادای آن، تناسب بسیار دارد و از جهتی، اغلب این فاصله‌ها با دو حرف نون و میم که هر دو در موسیقی معمول هستند یا با حرف مد پایان می‌گیرند. حکمت این گونه ترکیب‌ها و آوردن چنین حروفی، ایجاد آهنگ است، که نظم خاصی را نیز موجب می‌شود. (سلطانی، ۱۲) به عنوان نمونه می‌توان به آیات سوره طه «وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى \* جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى» (طه، ۷۵-۷۶) و مریم «إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا \* جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًا» (مریم، ۶۰-۶۱) اشاره کرد.

اگرچه تکرار حروف و واژه‌ها، ترکیب را سنگین و ساختار جمله و کلام را ناهنجار می‌سازد اما در قرآن به کار گرفتن ترکیب‌ها به گونه‌ای است که هرگز این سنگینی و ناهنجاری خود را نشان ندهد و خوش آهنگی و سلامت در اوج خود باقی بماند، آیه «

وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ \* أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ (الواقعه، ۱۰-۱۱) در این آیات ۳ بار حرف «قاف» آمده است اما هرگز آن بار سنگین را بر واژه‌ها نمی‌گذارد، بلکه این آهنگ مطمئن و شور انگیز و دلربا، زاییده این قاف‌ها و تعاقب آنها است که اگر جابجا شوند، درهم‌می‌ریزند. «قاف» از حروف سنگین است که در این آیات، ۳ بار آمده است؛ اما ترکیب آن با دیگر حروف به گونه‌ای است که هیچ سنگینی را بر کلام تحمیل نمی‌کند. این ترکیب به طور کامل آهنگ سهل، روان و خوشخوان آیه را حفظ کرده است. (مهدوی‌راد، ۱۸۳-۱۸۴)

بنابراین بلاغت افزون بر پدید آوردن معانی ارجمند و گزینش الفاظ روشن و استوار، مطلبی دیگر را نیز در بردارد و آن بی‌ریختن روش‌هایی برای پیوند معانی آن الفاظ است؛ در حقیقت قرآن مراتب رضایت الهی را برای پیشتانان میدان توحید در چنین قالب‌هایی ابراز داشته است. (جوادی آملی، ۲۵۷/۵) و مطابقت کلام با مقتضای حال و بلندای معانی و فرازمندی الفاظ در نهایت اتقان و هماهنگی است.

در مدینه سوره‌ها معمولاً طولانی‌تر است. به طور مثال در آیه «وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (البقره، ۲۵) این آیه به «خالدون» ختم می‌شود. که در درجه پایین‌تری از نظم آهنگ قرار دارد و شدت لحن هم خیلی کمتر است. این در حالی است که سوره بقره در ترتیب نزول اولین سوره مدنی است. (رامیار، ۵۸۳) اما در سوره توبه<sup>۱</sup> که تقریباً در اواخر نزول سوره‌های مدنی قرار دارد (همانجا، ۵۹۴) آیات الجنه معمولاً به «یم» ختم می‌شوند که نسبت به «ون» و «ین» در درجه پایین‌تری از نظم آهنگ قرار دارند. از آنجا که استفاده از

۱. «بَشِّرْهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُقِيمٌ» (توبه، ۲۱). «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَرِضْوَانٍ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه، ۷۲). «أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه، ۸۹). «وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه، ۱۰۰). «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه، ۱۱۱)

عنصر آوا و آهنگ برای انتقال کلام سبب تائی بیشتر متن می‌شود. نظام‌هنگ حاکم بر آیات قرآن حاکی از آن است که قرآن این ویژگی را همانند یک گفتار و خطابه در سطح افقی نیز حمل کرده است. الفاظ و حروف قرآن به گونه ای است که هیچ یک از آنها را نمی‌توان برداشت یا جابجا کرد به طوری که در معانی تغییری ایجاد نشود. (بنت الشاطی، ۲۶۵)

چون سجع بلند از ویژگی های آیات الجنة مدنی است. مانند: «وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنْ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (البقره، ۲۵) بنابراین در این قبیل آیات محتوا و مضمون کلام محوریت داشته و تأکید بر عوامل و زمینه‌های بهره‌مندی از نعمات بهشتی است. گو اینکه در دوران مکی شرح مفصلی از ویژگی‌های بهشت و بهشتیان ارائه شده و تصویر سازی لازم برای درک بهتر جایگاه نیکان صورت گرفته است. اکنون لازم است عبارتی کلیدی در فرازهای مختلف سُور، یادآور منزلگه بهشتیان باشد، سجع بلند، منسجم و هماهنگ «جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» در این راستا می‌تواند تحلیل شود.

به‌طور کلی می‌توان بیان داشت که ساختار ظاهری آیات الجنة مکی، مناسبت بیشتری با نمایان سازی بُعد اعجاز ادبی و بلاغی قرآن دارد و این یک ضرورت در محیط مکی بوده و در مدینه با رفع این ضرورت، سیاق ظاهری آیات الجنة متمایل به نثر مرسل و طولانی در مقابل نثر مسجع و آهنگین مکه شده است.

### ۳-۲. تحلیل و واکاوی سطح واژگانی آیات الجنة

یکی دیگر از سطوح ساختاری، سطح واژگانی است. واژگان اهمیت خاصی در زبان دارند، بنابراین گزینش واژگان درون یک ساختار نظام‌مند با دیگر عناصر آن تناسب کامل دارد و هر گونه تغییر یا جایگزینی باعث خدشه وارد شدن به معنا و پیام آن خواهد شد. (اخلاقی، ۵۲) در حقیقت، سازمانبندی معنا به واسطه عمل واژگان صورت می‌گیرد. (مهاجر

و نبوی، ۳۵) زیرا کاربردهای مجازی و استعاری که نوعی جابجایی در محور جانشینی زبان است، در سطح واژگانی مورد بررسی قرار می‌گیرد و بررسی واژگان محوری و پیر بسامد متن ادبی نیز در سطح واژگانی گنجانده می‌شود. (انصاری، شمس‌الدینی، ۱۶۶) لذا از برجسته‌ترین ویژگی‌های سبک بیانی قرآن کریم، شکوهی است که از انتخاب واژگان حاصل می‌شود. گاه نیز برخی از واژگان از مرز حقیقی خود گذشته و دلالت‌های رمزی بر خود می‌گیرند تا با بار خاصی از معنا تبلور یابند. مثلاً در آیات انتهایی سوره فجر «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ» چنین ویژگی متجلی است (زمخشری، ۹۳۸/۴) در حقیقت در این آیات، نوعی انسجام لغوی، مشهود است که می‌توان گفت از نوع بازآیی<sup>۱</sup> است به نحوی که عناصری از یک آیه در آیه‌های بعد از آن تکرار می‌شود که در ارتباط با توازن و موسیقی متن است.

در نظام واژگانی قرآن، واژگان به گونه‌ای ترکیب شده‌اند که اصوات آن هماهنگ بوده و بافت موسیقایی موزونی را بوجود آورده‌اند. در این نظام گاه حرکات یک کلمه به تنهایی دشوار و ناخوشایند است اما زمانی که در قرآن بکار می‌رود صداها و حروف پیشین، زمینه‌ای را فراهم می‌سازند که آن واژه در جای خود لطیف و دلنشین به نظر می‌رسد. (معرفت، ۱۵۲/۵) سیوطی تناسب در آیات و مانند آنها را همان معنایی می‌داند که باعث ارتباط میان آنها می‌شود. (سیوطی، ۲۸۹/۲) برای نمونه، واژه «نَهْر» در آیه «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ» (القمر، ۵۴) به سبب در پی هم آمدن دو فتحه و تفخیم راء بر زبان دشوار است، اما وقتی در آیه قرار می‌گیرد فضای آیه طوری است که تلفظ فتحه‌ها آسان می‌شود و این به سبب غنه‌های بکار رفته در «جنات» و «جنات و نهر» است. همچنین در آیه بعد «فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ» (القمر، ۵۵)، تلفظ هر یک از واژه‌ها به تنهایی دشوار است ولی وقتی که در آیه قرار می‌گیرند به سبب قلقله در واژه‌های «مقعد»، «صدق» و «مقتدر» و غنه‌های بکار رفته در «عند» و «ملیک مُّقْتَدِر» به راحتی تلفظ می‌شوند.

1. Reiteration

پرهیزکاران کسانی هستند که با نافرمانی از خداوند خود را در معرض هلاکت قرار نمی‌دهند و نسبت به کارهای کوچک و بزرگ، از خود حسابرسی کرده و به همین دلیل، از مقربان درگاه خداوند هستند. (مغنیه، ۳۳۶/۷)

مزیت‌های مرتبط با الفاظ، گاه به تک تک حروف، گاه به ترکیب حروف، گاه به تک واژه‌ها و گاه به جملات برمی‌گردد. باید در فصیح بودن لفظ به این چهار جنبه توجه کرد و این همه، در کامل‌ترین صورت خود در قرآن فراهم است. بنابراین فصاحت را باید با نظر به الفاظ، جملات و ارکان تشکیل دهنده آن بررسی کرد. (علوی، ۲۱۹-۲۲۰/۳)

از نکات جالب قرآن، گزینش واژه‌های زیبا و گاهی بی بدیل است. ابن ابی‌الأصیح مصری (م ۵۴هـ) بابتی ویژه با عنوان «باب الفرائد»، در این مبحث گشوده و بیان می‌کند خدا میان این اسم‌های گوناگون مواردی را برگزید که ساده‌تر، روان‌تر و شیرین‌تر و زیباتر است، او درباره «بَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ» (غافر، ۱۹) می‌گوید که لفظ «خائنة»، به تنهایی لفظی آسان، متداول و بر زبان‌ها بسیار جاری است؛ اما چون به «الأعین» پیوست، ترکیب شگفتی را بوجود آورد که شبیه آن را هم نمی‌توان آورد. هیچ مُصَنِّفِ آگاه از ادبیات و آشنا با فصاحت کلام، نمی‌تواند این والایی را انکار کند. (علوی، ۱۱۵-۱۱۶/۳) بنابراین یکی از ابعاد تحلیل ساختار واژگانی، گزینش بهترین و شایسته‌ترین واژه‌هاست.

همچنین گزینش دقیق‌ترین مترادف‌ها جنبه دیگری از ساختار واژگانی است که در ساختار جمله، و در القای مطلب، بیشترین تأثیر را دارد. (جاحظ، ۲۰/۱) نمونه‌های این نوع از زیبایی قرآنی فراوان است. برای مثال: در وصف اصحاب یمین آمده است: «فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ \* وَ طَلْحٍ مَّنْضُودٍ \* وَ ظِلِّ مَّمْدُودٍ \* وَ مَاءٍ مَّسْكُوبٍ» (الواقعه، ۲۸-۳۱). «مسکوب» به جای «غزیره» آمده که به معنای سرشار است. مسکوب آبی است که هیچ ممنوعیتی بر رعایت مقدار مصرف در آن نیست، به حدی که گویا از آن، مفهوم اسراف بر می‌آید. (بدوی، ۵۵-۵۶)

همچنین آیه «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَأُنْكَفَىٰ نَفْسًا إِيَّانَا وَسُعَهَا أَوْلِيكَ أَصْحَابُ

الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (الاعراف، ۴۲) «لا نكلف نفسا إلّا وسعها»: جمله معترضه‌ای است که واقع شده میان مبتدا [والذین] و خبر [اولئک] برای تشویق مؤمنان به انجام اعمال شایسته‌ای که در توان آنهاست و منظور از «وسع» توانایی کافی و بدون مشقت است. (طبرسی، ۱۰۶/۹)

تعبیر «جنات النعیم» در آیه «إِنِّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ» (القلم، ۳۴) می‌رساند در آن جز برخورداری محض، چیزی نیست و خرمی‌اش با زشتی‌ها از بین نمی‌رود. (زمخشری، ۷۲۴/۴) در بسیاری از آیات قرآن به جای واژه نعمت از نعیم استفاده شده گرچه این دو واژه از یک ماده‌اند، اما دارای تفاوت روشنی با یکدیگر هستند، واژه «نعمت» در ۵۳ مورد استعمال قرآنی، خواه به صورت جمع و خواه به صورت مفرد، بر نعمتهای دنیوی، از انواع مختلف آن، دلالت می‌کند؛ اما واژه «نعیم»، در ۱۶ مورد استعمال قرآنی، مربوط به نعمات آخرت است مانند: «فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ \* فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتُ نَعِيمٍ» (الواقعه، ۸۹)، «أَيُّطَمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ» (المعارج، ۳۸). آیات دیگری نیز در این مورد وجود دارد. (سلطانی، ۳۴)

بنابراین تأثیر معنایی حروف و چینش آن‌ها را در آیات الجنه نشان می‌دهد که حروف به شکلی بی‌نظیر در کنار هم قرار گرفته‌اند که به هنگام شنیدن، بدون وجود دستگاه‌های موسیقی و بدون وجود قافیه یا وزن و بحر، آهنگ با شکوه و طنین اندازی از آنها به گوش می‌رسد. به عنوان مثال: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ \* أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» (الواقعه، ۱۰-۱۱) چینش حرف قاف در این آیه نظام آوایی زیبایی را به آیه می‌بخشد یا آنکه در آیه «فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ \* وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ» (الواقعه، ۸-۹) چینش حرف میم و صاد چنین طنین زیبایی را ایجاد می‌کند.

به‌طورکلی در تحلیل سطح واژگانی آیات الجنه مدنی، این ویژگی مطرح است که قالب واژگانی در اکثر آیات الجنه مدنی، ثابت است و تنوع واژگانی و توصیفات گونه‌گون مشاهده نمی‌گردد و بیشترین واژگانی که در رابطه با آیات الجنه مدنی است وصف «تجری من تحتها الأنهار»، «خلود در بهشت» و «رسیدن به فوز و مقام فائزون» است. مانند، «يَوْمَ

تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (الحديد، ۱۲)، «لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ» (الحشر، ۲۰) لذا این تعبیر یا شبیه آن در آیات بسیاری وارد شده است که تکرار آن بیانگر، اهمیت موضوع و توجه خاص قرآن نسبت به آن می‌باشد. (جوادی آملی، ۲۴۹/۵) بنابراین اگرچه تمامی مؤلفه‌های فصاحت، به کمال در قرآن آمده است. (زمخشری، ۴ / ۶۲۱) اما این امر در سور مکی نمود بیشتری دارد. تأثیر معنایی حروف و چینش آن‌ها را در آیات الجنه نشان می‌دهد که حروف به شکلی بی‌نظیر در کنار هم قرار گرفته‌اند که به هنگام شنیدن، بدون وجود دستگاه‌های موسیقی و بدون وجود قافیه یا وزن و بحر، آهنگ با شکوه و طنین اندازی از آنها به گوش می‌رسد.

### ۳-۳. سطح تصویر پردازی آیات الجنه

«تصویر» استفاده از کلمات و جملات، با نظمی دقیق و به شیوه‌ای لطیف و هنری است، به طوری که یک معنا و مفهوم خاص را در قالب حقیقتی، زنده و مجسم ارائه و ضمن برانگیختن خیال و احساسات مخاطب، فکر و پیام خاصی را نیز به او منتقل کند. (محمد قاسمی، ۱۶۶)

قرآن از تمامی روش‌ها و ابزارها برای حیات بخشیدن به مفاهیم و حقایق بهره می‌جوید و با ترسیم دقیق حقایق در تصاویر و صحنه‌هایی زنده، معقول را محسوس، مخفی را آشکار، غایب را حاضر، دور را نزدیک و مبهم را روشن ساخته است. به گونه‌ای که منظره سمعی برای شنونده، تبدیل به منظره بصری و صحنه‌ای تماشایی می‌گردد. (قطب، ۳۲)

ترسیم و تصویر حقایق معنوی در قالب امری محسوس غالباً ملازمت این دو را به دنبال دارد و هیچ چیز همچون تصاویر محسوس نمی‌تواند در ذهن، تأثیرگذار باشد. (زمخشری، ۴۷۱/۱)

روش تصویرگرایی در قرآن یک اسلوب تفننی و محدود نیست. برای تصویر سازی صحنه‌ها و جذابیت بخشی به آنها، انتقال از صحنه‌ای به صحنه دیگر، یا از زمانی به زمان

دیگر، یا انتقال از شیوه حکایت به خطاب، یا از غیبت به حضور، یا حذف برخی کلمات و مانند آنهاست. (محمد قاسمی، ۱۷۳)

در آیات الجنه، نوعی روایتگری هم مشهود است و با عنایت با اینکه روایت عمدتاً یا درصد انتقال تصویری از یک بافت یا درصد برانگیختن واکنشی در مخاطب است (اسکولز، ۱۳۵) لذا می‌توان گفت این ساختار بیانی آیات الجنه، ناظر به هر دو جنبه است.

با توجه به مطالب فوق اکنون به بررسی سطح تصویر پردازی در آیات الجنه سور مکی و مدنی می‌پردازیم تا عمق این رویکرد هنری را واکاوی کنیم.

سور مکی، غالباً در صدد بیان صحنه‌های مربوط به قیامت است قرآن این صحنه‌ها با برداشتن حائل زمان گذشته، حال و آینده را به هم پیوند داده و شکاف میان دنیا و آخرت را برداشته، به گونه‌ای که در برخی موارد فرقی میان آن دو نمی‌بینیم بلکه درموقعی آخرت را پیش روی خود حاضر می‌بینیم و دنیا را گذشته و طی شده می‌یابیم که این خود در حیات بخشیدن به صحنه‌ها و تاثیرگذاری عمیق بر مخاطب بسیار نقش‌آفرین است (سید قطب، ب، ۳۹-۴۱)

قرآن در بیان بسیاری از حقایق دینی و حالات و روحيات انسانها و آشکار ساختن امور روحی و معنوی از «اصل تجسیم» استفاده نموده به عنوان مثال برای مخاطبان خود در مکه که غالباً ناباوران بودند از تصاویری زنده و گویا که از مظاهر هستی و جلوه‌های طبیعت بهره گرفت. نمونه‌ای از این استدلال‌ها که در قالب تصویری بدیع ارائه شده این است آیات سورة الزمر است «وَسَيَقُ الَذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ اِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ اِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ اَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ \* وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدُّهُ وَاوْرَثَنَا الْاَرْضَ نَتَّبِعُوهُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ اَجْرُ الْعَامِلِينَ \* وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِقِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (الزمر، ۷۳-۷۵) که نشان می‌دهد چگونه نعمات اخروی در تناسب با نعمات دنیوی است.

پس از نمایش عبور دسته جمعی دوزخیان در آیه قبل، نوبت به نمایش عبور بهشتیان می‌رسد. آنانکه تقوا ورزیدند به سوی بهشت به طور گروهی و دسته جمعی سوق داده می‌شوند و درهای بهشت به روی آنان گشوده شده و با سلام و تحیت پاسدارانش مواجه می‌شوند در آنجا و جاویدان خواهند بود. (طباطبایی، ۱۸ / ۳۵۱) و در ادامه، تکمیل این نمایش ادامه می‌یابد: «وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ...» و فرشتگان را می‌بینی که از اطراف عرش آمدند و ... بنابراین فضای بیانی به گونه‌ای است که گویی انسان نظاره‌گر این صحنه‌هاست و همه جزئیات درونش با نظام خاصی روبروی هم قرار دارد به گونه‌ای که هیچ‌گونه نیازی به توضیح و بیان نیست. (قطب، ب، ۹۴-۹۵)

تشبیهات بسیاری که در آیات الجنه سوره‌های مکی وجود دارد<sup>۱</sup> نظیر آیه «كأَمْثال اللولو المكنون» در سوره واقعه مثال مناسبی در این رابطه است به دلیل وجود حرف «کاف» که از ادات تشبیه است یعنی: مانند مروارید پنهان در صدف. که با توجه به آیه قبل از خود «و حور عین»، صفت زنان بهشتی و نشانه پاکدامنی آنها است.

همچنین در تعابیر مصور قرآنی جلوه‌های زیبایی از افاضه حیات به جمادات را می‌توان مشاهده نمود. به گونه‌ای که تمامی پدیده‌ها و مظاهر هستی را در برابر خود به صورت موجوداتی زنده می‌بینیم که همچون انسان از شعور و احساس برخوردارند. به عنوان نمونه: «وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ» (الشعراء، ۹۰)، «وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ» (ق، ۳۱)؛ در این دو آیه بهشت به متقین نزدیک می‌شود و گویا انسان یا موجودی است که حرکت می‌کند.

از جلوه‌های هنری قرآن کریم، تصاویر خیال پرور آن است که به وسیله آن «حقایق و واقعیت‌های محسوس» یا «امور روحی و غیبی» به شیوه‌ای هنری و جذاب ارائه می‌گردد. (عمید، ۱ / ۱۵۰۴؛ محمد قاسمی، ۱۳۸۶ ۷۲) تخیل در بیشتر آیات الجنه وجود دارد. برای مثال: «و ماء مسکوب» به معنی آبی ریزنده که آبشارهای بهشتی را به تصویر کشیده است. یا آیات: «إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَاكِهِونَ \* هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأُرَائِكِ

۱. «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ \* فِي جَنَّاتٍ وَ عِوْنٍ \* يَلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ وَ إِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ» (دخان، ۵۱-۵۳)

مُتَّكِنُونَ \* لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مَا يَدْعُونَ \* سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ (یس، ۵۵-۵۸)

حکایت از سخنانی است که در آن روز به آنان گفته می‌شود و به چنین شیوه‌ای، تصویر رساتری از موعود ارائه می‌دهد و در جان مخاطبان تأثیر افزون‌تری می‌گذارد و آنان را بیشتر ترغیب می‌کند که به آن و نتیجه‌هایش گرایش داشته باشند. «فی شُغْلٍ»: به کدامین کار، در کاری وصف ناپذیر. (زمخشری، ۳۲/۴)

تصویرپردازی در قرآن تنها به فنون بلاغی همچون تشبیه، استعاره، مجاز و ... محدود نمی‌شود. بلکه تصاویر قرآنی از عناصری گوناگون مانند نغمه کلمات و موسیقی جملات، توصیف دقیق، محاوره و گفتگو، تقابل و رویارویی صحنه‌ها و مانند آن ترکیب یافته، که چشم و گوش انسان را از صحنه‌ها و نغمه‌های روح پرور خود پر می‌سازند و حس و خیال آدمی را برمی‌انگیزاند و فکر و اندیشه بشر را به تکاپو وامی‌دارند. (عبدالعال، ۴۳؛ عتر، ۲۲۶) و گاه مضمون یک امر و حقیقت آن، جز با تصویرگری نمود پیدا نمی‌کند و به همین دلیل است که می‌توان آن را مناسب‌ترین روش در آشکار نمودن مقصود و تأثیرگذاری بر مخاطب دانست. (یاسوف، ۱۱۲)

«مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعِدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ حَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ رَبِّهِمْ» (محمد، ۱۵) عبارت «مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعِدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ»، در ظاهر مثبت، اما از جهت معنی منفی برای نفی و انکار است، زیرا در حکم سخنی است که در آغاز آن حرف انکار آمده باشد و در جایگاه آن قرار گرفته و به سبک (نوع) آن درآمده باشد و آن همان عبارت «أَقْمَنُ كَانَ عَلَى بَيْتِهِ مِنْ رَبِّهِ كَمَنْ زَيْنَ لَهُ سُوءَ عَمَلِهِ» (محمد، ۱۴) است و گویا می‌فرماید: «مثل الجنة کمن هو خالد فی النار»؛ مانند کیفر کسی که در دوزخ جاودانه خواهد بود. نیاوردن حرف انکار در عبارت این فایده را دارد که ستیز کسی را که اهل برهان را با پیروان هوای نفس برابر می‌دانند، بهتر به تصویر می‌کشد و او به کسی می‌ماند که بهشتی را که این رودها در آن روان هستند، با دوزخی برابر می‌داند که باشندگانش آب جوش می‌نوشند.

«مِنْ لَبَنٍ لَّمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ» چنان که مزه شیرهای دنیا تغییر می‌کند و آن شیر بهشتی زبان گز و ترشیده نمی‌شود و مزه‌های ناخوشایند به خود نمی‌پذیرد. «لذّة» مونث «لذّة» به معنای لذیذ است، یا این که به مصدر وصف شده است. قاریان آن را به سه حرکت خوانده‌اند: جر بنا بر آنکه صفت خمر، رفع بنا بر آن که صفت آنهاست و نصب بنا بر آن که علت باشد که در فرض اخیر یعنی: برای لذت بردن نوشندگان. معنای عبارت چنین است: آن هیچ یک از آفات شراب دنیوی را ندارد. همچنین عسل «مصفی» از شکم زنبوران بیرون نیامده تا آمیخته به موم و امثال آن باشد. «ماء حمیما» مفسران گفته‌اند: «هرگاه به آنان نزدیک آورند، چهره‌هایشان از آن می‌گدازد و پوست سرشان کنده می‌شود و هرگاه آن را بنوشند، دل و روده آنان از بین می‌رود». (زمخسری، ۴/ ۳۹۷-۳۹۸)

همچنین تصویرسازی در آیه «وَضْرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (التحریم، ۱۱) آوردن «عندک» و «فی الجنة» بر آن دلالت دارد که خدا خواست که او را به رحمت خویش نزدیک و از عذاب دشمنانش دور بدارد، آنگاه مکان قرب و نزدیکی را با «فی الجنة» بیان داشت و یا اینکه قصدش درخواست مراقبت بالاتر در بهشت بود و جایگاهش در بهشتی باشد که به عرش نزدیکتر است، یعنی: «جنات المأوی» است. آیات الجنة، ویژگیهای فراحسی بهشت را در قالب مثالها و تصویرهای را آورده که آن را از حالت مجرد خارج می‌کند. تصویرپردازی آیات الجنة به گونه‌ای است که شنونده همه این صحنه را به مدد خیال می‌بیند و نتیجه‌گیری از این پرده‌های دل‌انگیز به بهترین وجه صورت می‌گیرد.

یکی از مؤلفه‌های سطح تصویر پردازی تشبیه است. تشبیه تصویری فنی است که معنا را در خیال و در قالب مثال مجسم می‌کند. (مطرفی، ۱۱۶) این سطح تصویر پردازی را در آیاتی از سوره‌های مدنی می‌توان به وضوح مشاهده کرد: «مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ أُكُلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَعُقْبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ» (الرعد، ۳۵) «اکلها دائم» مانند عبارت «لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ» (الواقعه، ۳۳). «و ظلها»

پایدار است و از بین نمی‌رود و مانند سایه دنیایی نیست که به محض رسیدن نور آفتاب به آن از بین می‌رود. (زمخشری، ۶۸۱/۲-۶۸۲)

یکی دیگر از مؤلفه‌های سطح تصویر پردازی استعاره است. (داد، ۲۸) استعاره نوعی آرایه ادبی برای بکار بردن لفظ یا عبارتی به جای عبارت دیگر بر اساس شباهت بین این دو است. (مطرقی، ۱۱۷) «وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَهَا لَهُمْ» (محمد، ۶) «عرفها لهم»: آن را برایشان معلوم داشت و به گونه‌ای آشکار ساخت که هر کس با آن منزلت و جایگاه خودش را در بهشت می‌داند. یا اینکه از «عرف» به معنای بوی خوش و خوش آراستن است. (زمخشری، ۳۹۳/۴-۳۹۴)

تجسیم بخشیدن در آیات الجنه سوره‌های مدنی مانند: «قُلْ أُوْنِبْتُكُمْ بِخَيْرٍ مِّنْ ذَلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» (آل عمران، ۱۵)

با توجه به آنچه در آیه قبل در باره اشیاء مورد علاقه انسان در زندگی مادی دنیا آمده بود در اینجا در یک مقایسه، اشاره به مواهب فوق العاده خداوند در جهان آخرت و بالاخره قوس صعودی تکامل انسان کرده، می‌فرماید: «بگو: آیا شما را از چیزی آگاه کنم که از این (سرمایه‌های مادی) بهتر است (قل أُنْبِتْكُمْ بِخَيْرٍ مِّنْ ذَلِكُمْ)». (مکارم، ۴۶۰/۲)

تشخیص در آیات الجنه سوره‌های مدنی به طور مثال: «عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا» (انسان، ۶)؛ در این آیه مؤمنان چشمه‌های بهشتی را جاری می‌سازند یعنی بهشتیان فرمان شکافتن می‌دهند و چشمه‌ها مانند انسان، این فرمان داده شده به خودشان را انجام می‌دهند و جاری می‌شوند.

نکته دیگر در آیات الجنه، تکرار عبارت «جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» است که از عوامل ایجاد توازن و در نتیجه قاعده‌افزایی و برجسته‌سازی است. (صفوی، ۱۵۰) تکرار، علاوه بر آنکه یکی از عوامل مهم موسیقایی و نظم آهنگ است و نوعی از توازن را به وجود می‌آورد (شفیعی کدکنی، ۹۹) با هر تکراری، تمام ویژگی‌های بهشت در ذهن

مخاطب، تداعی می‌شود. زیرا تکرار از جمله شاخصه‌های سبک ادبی است که عامل بسیار مهمی در انسجام بخشیدن به متن و بهترین شیوه برای القای مفاهیم به مخاطب است.

#### ع. تحلیل مضمونی آیات الجَنَّة در سوره‌های مکی و مدنی

مضمون<sup>۱</sup> که گاهی از آن به درونمایه تعبیر می‌شود در لغت به معنی درمیان گرفته شده و آنچه از کلام و عبارت مفهوم شود، به تعبیر دیگر فکر اصلی و مسلط در هر اثری است. بنابراین، اساس مضمون، هویت پنهان و تلویحی آن است که در زیر پوشش‌ها، ساخت‌ها و ظواهر متفاوت به شکلی نهفته وجود دارد و رسالت تحلیل مضمونی، یافتن این هویت پنهانی است. (داد، ۲۱۹)

در رابطه با ابعاد مختلف مضمونی آیات الجَنَّة، از آنجا که فضای نزول آیات قرآن با محتوای آنها تأثیر متقابل دارد کشف فضای نزول بر پایه تعامل و ارتباط فعال و سازنده قرآن با جامعه نزول، می‌تواند بعضی از حقایق تاریخی، فرهنگی، مدیریتی و ... را روشن سازد و برخی ابهامات تفسیری و علمی را برطرف کند. (سلمان‌زاده، ۲)

پرداختن به احوالات مختلف انسانها در قیامت محور اصلی سوره‌های مکی است که در هر سوره به شکلی خاص عنوان شده است (لسانی، ۱۳۲) در مکه دعوت پیامبر(ص) غالباً «انذار و تبشیر» بوده که بحث تبشیر با آیات الجَنَّة هم راستاست. در همه سوره مکی عنصر مشترکی را می‌توان یافت که در واقع، تبیین نعمات بهشتی است و در هر سوره‌ای با رویکردی خاص به این غرض پرداخته شده است. اما در مدینه محتوی «رسالت» در راستای ساخت ایدئولوژی جامعه جدید تغییر است. (کریمی‌نیا، ۱۴۸) بنابراین در آیات الجَنَّة مدنی، تأکید زیادی بر محتوای آیات وجود دارد که بستر مناسبی برای توانمند شدن دولت اسلامی و رشد فکری و معنوی مسلمانان بود. واژگان مشترک در توصیف آیات الجَنَّة، دلیلی برای کشف موضوعات و مفاهیم مشترک در بین این سوره است. عبارت مشترکی که در میان سوره‌های مدنی به چشم می‌خورد «جنات تجری من تحتها

الانهار» است و این خود حلقه اتصالی را میان این سور برقرار کرده است و می‌تواند بیانگر این نکته باشد که ورود به بهشت و جایگاه نیکان، شرایط و لوازم گوناگونی دارد که در این قبیل آیات به آنها اشاره شده است.

از آنجا که محور اساسی محتوای سوره‌های مکی، تبیین اصول سه‌گانه دین است در وصف معاد مضامین آیات الجنه مکی بیشتر ناظر به نعمات مادی است و این قبیل توصیفات از فراوانی و تکرار بیشتری در مقایسه با سور مدنی برخوردار هستند. اما در آیات الجنه مدنی ابعاد معنوی نمود بیشتری دارد. عبارت‌های کلی مانند: خشنودی خداوند (آل عمران، ۱۵)، بخشایش و آمرزش (آل عمران، ۱۳۶)، زدودن بدی‌ها (آل عمران، ۱۹۵؛ فتح، ۵)، محافظت الهی در برابر سختی روز مصیبت‌بار (انسان، ۱۱) حاکی از ابعاد معنوی نعمات بهشتی است در حالیکه در آیات الجنه مکی این امور معنوی به گونه‌ای مجمل بیان شده است مثلاً در آیه ۲۶ سوره یونس به نیکوکاران، «الحسنی» و «زیاده» وعده داده شده که «الحسنی» به معنای بهشت و «زیاده» به معنای دیدار وجه خداوند تفسیر شده است. (راغب اصفهانی، ۳۸۶) از آیاتی که به فرجام شهدا اشاره دارد ابعاد بیشتری از لذت‌های معنوی را می‌توان استنباط کرد. (آل عمران، ۱۶۹-۱۷۱)

در بُعد مضمونی، توصیف معاشران و همراهان در بهشت در سه سطح ارائه شده است. اولین سطح «حورالعین» است که بیانگر طرز تفکر در جامعه مکی است. در طول دوران مکه، قرآن، درون یک جامعه مرد سالار سخن گفته و به هنگام ترغیب آنها به دیدگاهشان توجه داشته است. سطح دوم که در مدینه ترسیم شده است مدل عملی زندگی جامعه اسلامی را نشان می‌دهد و از واژه «زوج» استفاده شده است. در سطح سوم، قرآن هر دو لفظ «حورالعین» و «زوج» را تعالی داده و معاشرتی برتر از این امور را بیان می‌دارد.

وقتی حکومت اسلامی در مدینه پایه‌گذاری شد و جمعیت مسلمانان افزایش یافت قرآن از اصطلاحات کلی و عمومی استفاده کرد. مثلاً در آیه (آل عمران، ۱۵) منظور از مومنان در این آیه هم زنان و هم مردان است. به‌خصوص آنجا که واژه «زوج» را برای هر دو آنها به کار می‌رود. کاربرد قرآنی عبارت «أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُخْبَرُونَ» (الزخرف، ۷۰) در ارتباط با

جهان آخرت به نگاه دقیق‌تری نیاز دارد. زیرا می‌تواند به معنای «شما و هرکسی است که به خاطر طبیعت، اعمال، اعتقاد و... شبیه و جفت شماست» باشد. در نهایت در دوره مدینه، استفاده از واژه «زوج» و «ازواج» برای معاشران و همراهانی است که در بهشت منتظر مومنان هستند، به معنای جفت و همتایی ضروری است. (البقره، ۲۵؛ آل عمران، ۱۵؛ النساء، ۵۷) (ودود، ۱۳۷-۱۳۸)

لذا هر کاربردی از کلمه «زوج» مساوی «حوری» نیست. به ویژه در آیاتی که این دو کلمه در کنارهم قرار دارند مانند (الدخان، ۵۴). همچنین واژه «زَوْج» به معنای «به همدیگر پیوستن» یا «با هم جورشدن» سبب نمی‌شود که این دو واژه یکسان فرض شود.

قرآن بهشت را با جزئیات عالی‌تر از دیگر پدیده‌های غیب نمایش می‌دهد. اگر چه در اسلوب آیات قرآن، دیدگاه‌های مردم عصر نزول دیده می‌شود اما پیام ابدی قرآن محدود به این جامعه نمی‌گردد. ارزش‌هایی که قرآن به آنها اشاره می‌کند بالاتر از معانی زبانی و لغوی است. به این ترتیب توصیف بهشت برای مخاطبان اولیه عصر مکه، حورالعین باشد. اما توصیف قرآن از معاشران و همراهان بهشتی باید براساس نظام کامل عدالت و هدف هدایت جهانی آن و توصیفات ارائه شده از منظر خداوند دیده شود. (ودود، ۱۴۱)

در رابطه با آیات الجنه، خداوند متعال از عناصر مورد شناخت عربها برای تبیین بهشت و منزلگاه مومنان استفاده کرده اما در عین حال این چنین نیست که به امور مانوس عربها بسنده کرده باشد بلکه با اسلوبهای مختلف و به کارگیری تشبیهاتی که در هر عصر و زمان دلنوازی و کشش ویژه‌ای دارد به آیات قرآن جلوه‌ای فرازمانی داده است. مهمترین مضمونی که در این آیات، مشهود است، مضمون بشارت و نوید امید آفرین است که وزن و آهنگ مناسب خود را در آیات یافته است.

#### ۴. نتایج مقاله

۱. قرآن کریم علاوه بر کاربرد عناصر مورد شناخت عربها در آیات الجنه با اسلوبهای مختلف به آیات قرآن جلوه‌ای فرازمانی داده است. تحلیل سطوح مختلف ساختاری

آیات الجَنَّة حاکی از آن است که سرّ اصلی تفاوت در مضامین سور مکی و مدنی قرآن کریم، تمایز زمانی و تاریخی نزول آیات است و مکانهای جغرافیایی، تأثیر کمتری دارد. هدف اصلی وحی، در مرحله انذار و دوران مکی، اثرگذاری است لذا آیات، موزون و آهنگین و با ترسیم جزئیات حیات مومنان به تصویر در می‌آید. اما در مرحله رسالت و دوران مدنی به امری فراتر از اثرگذاری نیازمند است و بیان بسترها، عوامل و زمین های ورود به بهشت و بهره‌مندی از نعمات آن بر جنبه اثرگذاری، غلبه دارد.

۲. با آنکه اعجاز فصاحت و بلاغت به همه سوره‌های قرآن تعلق دارد، در عین حال سوره‌های مکی از نظر موازین ادبی مانند سجع، آهنگ پذیری، نثر فنی و ... با سوره‌های مدنی فرق دارد. سطح آوایی در سوره‌های مکی از نظم آهنگ بیشتری برخوردار است، همچنین در سطح واژگانی، آیات الجَنَّة مکی از تنوع و بلاغت بیشتری برخوردارند اما در سطح تصویرپردازی، آیات مدنی، بیشتر است. این تفاوت‌ها در راستای انسجام معنایی قرآن قابل تبیین است به این صورت که در دوران مکی، آیات الجَنَّة برای تأثیرگذاری بیشتر در اذهان و اندیشه مخاطبان، کوتاه و آهنگین و نیز همراه با تنوع واژگان است. اما در دوران مدنی، قرآن کریم علاوه بر ترسیم جلوه‌هایی جدید از بهشت با بهره‌گیری از از عنصر تکرار، تمام ویژگی‌های قبلی هم تداعی می‌شود.

۳. آیات الجَنَّة مکی و مدنی، به صورت توأمان، تکمیل‌کننده تصویر بهشت و توصیف ویژگی‌های آن با حسی نوید آفرین است، تصویرهایی که از مبدأ واحدی سرچشمه گرفته و با بیانی شگفت، اندیشه مخاطب را در همان فضاها سیر می‌دهد.

## کتابشناسی

۱. قرآن کریم
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
۳. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۴. اخلاقی، اکبر، تحلیل ساختاری منطق الطیر عطار، اصفهان، انتشارات نقش خورشید، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۵. اسکولز، رابرت، درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات، ترجمه فرزانه طاهری، ناشر آگاه. چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۳.
۶. امامی، نصرالله، ساخت گرایي و نقد ساختاری، اهواز، نشر رسش، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۷. انصاری، نرگس، شمس الدینی، اعظم، تحلیل ساختاری متن سوره الحاقه، دو فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره دهم، ۱۳۹۶.
۸. باقری، مهري، مقدمات زبان شناسی، تهران، نشر قطره، ۱۳۷۸.
۹. بدوی، احمد احمد، من بلاغه القرآن، قاهره، نهضة مصر، ۲۰۰۵ م.
۱۰. جاحظ، عمرو بن بحر، البیان و التبيين، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۳ ق.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، معاد در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ چهارم، ۱۳۸۷.
۱۲. داد، سیمیا، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران، مروارید، چاپ چهارم، ۱۳۷۸.
۱۳. الدسوقی، محمود، الفكر الاستشراقی، تاریخه وتقویمه، بیروت، مؤسسه التوحید للنشر الثقافی، ۱۴۱۶ ق.
۱۴. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۴.
۱۵. رضایی اصفهانی، محمد علی، «قرآن و فرهنگ زمانه»، مجله معرفت، شماره ۲۶، ۱۳۷۷ ش.
۱۶. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، مترجم انصاری، مسعود، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۹.
۱۷. زنجانی، ابو عبدالله، تاریخ القرآن، تهران، منظمه الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴.
۱۸. سلطانی، مهدی، نظم آهنگ قرآن از منظر آیت الله معرفت، ۱۳۹۴، سایت راسخون (<https://rasekhon.Net/article>)
۱۹. السکاکي، محمد بن علی، مفتاح العلوم، الطبعة الاولى بتحقیق اکرم عثمان یوسف، بغداد، دار الرساله، ۱۹۸۱ م.
۲۰. سید قطب، فی ظلال القرآن، الف، قاهره: دارالشروق، ۱۴۰۸ ق.ال
۲۱. همو، ب، آفرینش هنری در قرآن، ترجمه محمد مهدی فولادوند، انتشارات بنیاد، تهران، ۱۳۵۹.
۲۲. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، مترجم حاتری قزوینی، مهدی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۰.
۲۳. شاکر، محمد کاظم، علوم قرآنی، قم، انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۹۴.
۲۴. شفیعی کدکنی، محمدرضا، موسیقی شعر، تهران، نشر آگاه، ۱۳۸۸.
۲۵. صفوی، کوروش، از زیانشناسی به ادبیات، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۸۰.
۲۶. طالبتاش، عبدالمجید، پژوهشی نو در باب اعجاز قرآن، سرافراز، کرج، ۱۳۹۴ ش.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، مترجم: نوری همدانی، حسین، بهشتی، احمد، رسولی، هاشم، نجفی، ضیاءالدین، تهران: فراهانی، بی تا.

۲۸. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم: موسوی، محمداقرا، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
۲۹. عبدالباقی، محمد فؤاد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن، بی تا.
۳۰. عسکری، مرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرستین، تهران، المجمع العلمی الاسلامی، ۱۴۱۵ ق.
۳۱. علوی، یحیی بن حمزه، الطراز، مکتبه المقتطف، ۱۳۳۲ ق.
۳۲. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، ۱۳۷۹.
۳۳. فائز، قاسم، بررسی نظریه آیات مستثنیات سور مکی و مدنی، علوم قرآن و حدیث، مطالعات تفسیری، سال دوم، شماره ۸، ۱۳۹۰.
۳۴. قرشی بنابی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰.
۳۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، تهران، اسوه، ۱۴۱۴ ق.
۳۶. فقهی زاده، عبدالهادی، پژوهشی در نظم قرآن، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۴.
۳۷. فقیه، حسین، قرآن و فرهنگ عصر نزول، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱ ش.
۳۸. کریمی، مصطفی، وحی شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۷ ش.
۳۹. لسانی، محمد علی، سوره شناسی، قم، نصایح، ۱۳۹۴ ش.
۴۰. مهاجر، مهران و نبوی، محمد، زبانشناسی و شعر، تهران، نشر مرکز، ۱۳۶۷.
۴۱. محمد قاسمی، حمید، روش مندی قرآن در خلق صحنه های زنده و جذاب، علوم قرآن و حدیث، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال هفتم، شماره ۱۴، ۱۳۸۹.
۴۲. محکی، علی اصغر؛ سوزن چی کاشانی، راضیه، «نشانه شناسی نمادهای بهشت در قرآن کریم»، مجله مدیریت فرهنگی، شماره ۱۵، ۱۳۹۱.
۴۳. مطرفی، عبد الحلیم، ویژگی های محتوایی و ساختاری قرآن و تأثیر آن در اقناع مخاطب، نشریه کتاب و سنت، دانشگاه قرآن و حدیث، مرکز آموزش الکترونیکی، شماره ۴، ۱۳۹۴.
۴۴. معارف، مجید، نجار زادگان، فتح الله، مهدوی راد، محمد علی، علوم قرآنی (وحی، اعجاز، تحریف ناپذیری)، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، ۱۳۹۶.
۴۵. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، قم، موسسه التمهید، ۱۳۸۶.
۴۶. مغنیه، محمد جواد، الکاشف، مترجم دانش، موسی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۸.
۴۷. مکارم، ناصر، تفسیر نمونه، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۴۸. میر، مستنصر، پیوستگی سوره تحولی در تفسیر قرآن در قرن بیستم، آینه پژوهش، شماره ۱۰۷ و ۱۰۸، ۱۳۸۶.
۴۹. هاشمی، احمد، جواهر البلاغه فی المعانی والبان والبدیع، بیروت، المکتبه العصریه، ۱۹۹۹ م.
۵۰. دود، آمنه، نقد و ترجمه قرآن و زن (باز خوانی و تفسیر متن مقدس، قرآن مجید از منظر یک زن)، مترجم: آقا گل زاده، فردوس، بهادری، آتنا، نقد: روحی، کاوس، تهران: نشر علمی، ۱۳۹۴.
۵۱. یاسوف، احمد، جمالیات المفرده القرآنیه، دمشق، ۱۴۱۹ ق.
۵۲. بلاوی، رسول؛ غفوری فر، محمد؛ اطاقی، میثاق، تصویرپردازی هنری آیات بهشت و جهنم در قرآن کریم، مجله قرآنی کوثر، شماره ۵۸، ۱۳۹۵.



